

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از : مرحوم فیض محمد "عاطفی"
فرستنده : نازی نور "عاطفی"
دوازدهم آگست 2012

عمر نکه

مرغ را سخت بگیری که بالک نزنند
شمس را چهره بپوشید که تاریک شود
به نسیم سحر از ما برسانید سلام
رشوت شحنة مهیاست بگوئید که او
شب وصل است مرا فارغ از اندیشه کنید
مژه برهم زدن از عمر نکه میبکاهد
بوسه از بوسه، لب از لب نتوان کرد جدا
من هم از خیرگی نجم و فلک میترسم
پنجه بر مار سیه پیش نمودن غلط است
شکر لله که نمرديم و به کامت دیدیم
نفس صبح ببندید که هُک نزنند
ماه را پای ببرید که لنگ نزنند
که دگر عطر نخواهیم شمالک نزنند
دست تهدید به آن ریش مبارک نزنند
تا کسی بر در این محوطه تک تک نزنند
دیده باید که ترا ببند و پلک نزنند
یار را تنگ بگیری که خیزک نزنند
که شب تار به دنبال تو چشمک نزنند
مرد عاقل به سر زلف تو کلک نزنند
بعد از این غیر به ما طعنه و غرتک نزنند

عاطفا داد دل خود ز لب یار بگیر

که فلک همچو گلت باز به تارک نزنند